

# جلسات شرح و تفسیر



حجت الاسلام و المسلمین

محمد جواد حاج علی اکبری



موضوع:

شرح دعای پانزدهم (لحظه های صبر) / جلسه (۴)

۱۳۹۳ / ۰۹ / ۲۲



■ بیماری، تحفه‌ای الهی

■ صلوات، کلید اجابت دعا

■ دو درخواست معنوی

۱. محبوب شدن خواست خداوند نزد انسان
۲. آسان شدن خواست خداوند برای انسان

■ گمان نیک مؤمن به خداوند

■ اسم اعظم الهی

■ چند نکته درباره‌ی بیماری

۱. ادب بیماری
۲. آه از اسماء الهی است
۳. تحمل درد تا حد ممکن
۴. عیادت از خداوند

■ فواید عیادت

■ آداب عیادت

■ عیادت کر از بیمار

شدن از چنبر اندوهم را با رحمت خود قرین گردان و رهاییم را از این محنت با گشایش خویش همراه کن، تویی تو که به فضل خویش احسان می‌کنی و نعمت‌های بی‌کران می‌بخشی. تویی تو بخشاینده کریم و صاحب جلال و بزرگواری».

### ■ بیماری، تحفه‌ای الهی

موضوع بحث ما دعای پانزدهم صحیفه‌ی مبارکه‌ی سجّادیه که با مسائل مربوط به بیماری مرتبط است. توفیق پیدا کردیم از یک منظر تازه و از یک نگاه توحیدی به این موضوع اساسی و بسیار مهم‌نگاهی داشته باشیم. با عنایت حضرت سیدالساجدین (علیه الصّلاة و السّلام)، به آخرین فراز این دعای کوتاه، ولی فوق‌العاده گره‌گشا رسیدیم. این دعا، با نگاه توحیدی و منظر الهی بیماری را که معمولا علاوه بر آسیب و تهدیدهای جسمی، عوارض روانی، روحانی و فکری به همراه دارد، به یک فرصت برای تطهیر و تعالی مؤمن تبدیل می‌کند. در فرازهایی از صحیفه‌ی نورانی این مطلب واضح شد. این نکته، نکته‌ای نجات‌بخش و حقیقتاً یک نسخه‌ی شفا است. یکی شفا‌ی درد و بیماری است و دیگری شفا‌ی بالاتر از این است که مرض را

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
رَبِّهِ

«اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدَ وَآلِهِ، وَ حَبِيبِ إِلَيَّ مَا رَضَيْتَ لِي، وَ يَسَّرَ لِي مَا أُخْلِصْتُ بِي، وَ طَهَّرَ نِي مِنْ دَنَسٍ مَا أَسْلَفْتُ، وَ أَمَحْ عَنِّي شَرَّ مَا قَدَّمْتُ، وَ أَوْجِدْنِي حَلَاوَةَ الْعَافِيَةِ، وَ أَذِقْنِي بِرَدِّ السَّلَامَةِ، وَ اجْعَلْ مَخْرَجِي عَنْ عَلَيَّ إِلَى عَفْوِكَ، وَ مَتَّحِلِي عَنْ صَرَغَتِي إِلَى تَجَاوُزِكَ، وَ خَلَّاصِي مِنْ كَرْبِي إِلَى رَوْحِكَ، وَ سَبَّامَتِي مِنْ هَذِهِ الشَّدِيدَةِ إِلَيَّ فَرَجَكَ إِنَّكَ الْمُتَفَضِّلُ بِالْإِحْسَانِ، الْمُتَطَوِّلُ بِالْإِيمْنَانِ، الْوَهَّابُ الْكَرِيمُ، ذُو الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ؛

بار خدایا، بر محمد و خاندانش درود بفرست و در دل من بیارای آنچه را که تو خود برای من خواسته‌ای و بر من آسان ساز آنچه را که تو خود بر سر من فرستاده‌ای، مرا از لوث گناهان پیشین پاک گردان و بدی‌هایی را که زین پیش مرتکب شده‌ام از من بزدای و حلاوت عافیت را در من پدید آور و خنکی سلامت را به من بچشان، و اکنون که مرا شفا عنایت می‌کنی بهبود مرا با عفو خویش دمساز کن و برخاستن از بسترم را با اغماض و گذشت خویش توأم فرمای و بیرون

و عافیت است؛ چون انسان در سلامت و عافیت خیلی پیش می‌رود. ولی اگر بیماری پیش آمد، خوش آمد. قدم بیماری برای انسان مؤمن مبارک است و از آن به عنوان یک فرصت استفاده می‌کند. اینها کیمیای ایمان است؛ اگر انسان ایمان داشته باشد، آسیب‌ها، دردها، رنج‌ها را در متن زندگی، به فرصت‌هایی برای شکفتن، رشد، پرواز و تعالی تبدیل می‌کند. در متن بیماری اضطرار، ابتهال، تبطل، انقطاع إلی الله پیش می‌آید که همه‌ی اینها برای مؤمن فرصت است. بیماری برای مؤمن «تَطْهِيرٌ»، «وَرَحْمَةٌ»، ولی برای کافر «تَعْدِيْبٌ وَ لَعْنَةٌ» است.

### ■ صلوات، کلید اجابت دعا

در بخش پایانی این دعای نورانی، امام (عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَ السَّلَام) به اینجا که رسیدند، ما را زیر سایه‌ی شفاعت و کرامت محمد و آل محمد (صَلَوَاتُ اللهِ وَ سَلَامُهُ عَلَيْهِ أَجْمَعِينَ) و از باطن اولیاء، ولی کامل مدد گرفتن می‌برند. طلب نور، استشفاء، شفاعت و به معنای دقیق کلمه، هدایت و مدد گرفتن، همه‌اش در این کلمه جمع می‌شود و بعد هم بازگشایی به ابواب رحمت الهی است. در اینجا امام می‌خواهد پشت سر هم چند درخواست عالی داشته باشد.

برای انسان به دوا تبدیل می‌کند. با دعای پانزدهم و از نگاه توحیدی، در زندگی انسان مؤمن آن بیماری به دوا و شفا تبدیل شد؛ شفای از بیماری گناه، معصیت و غفلت. امام درباره‌ی بیماری فرمودند: «تَطْهِيرٌ»، «تَنْبِيْهٌ»، «تَذَكِيْرٌ»، همه‌ی اینها در کنار هم باعث طهارت از انواع خطاها، گناه‌ها و معصیت‌ها می‌شود. باعث هم بیداری می‌شود و انسان را از غفلت بیرون می‌آورد؛ هم حالت ذکر نسبت به سلامتی و قدرشناسی از نعمت سلامتی را در انسان پدید می‌آورد.

اگر شخص بیمار صبرش، صبر جمیل باشد و حالت رضا در او وجود داشته باشد، هر کدام از این موارد رتبه‌ها، درجات و رشدی برای او محسوب می‌شود. امام (عَلَيْهِ السَّلَام) فرمودند: در ایام بیماری خدای متعال از باب کرم و فضلش، به نویسندگان اعمال فرمان می‌دهد که آن کارهایی را که این شخص در زمان سلامتی انجام می‌داد، همه را به حسابش بنویسید و فرشتگان همه را برایش به طور خالص می‌نویسند. اگر این شخص خودش آن اعمال را انجام می‌داد، در معرض عجب و ریا بود؛ اما حالا که برایش می‌نویسند، خالص و تمیز برای او نوشته می‌شود. منتها همه‌ی اینها باعث نمی‌شود که کسی آرزوی بیماری کند. آن چیز که انسان باید در زندگی آرزو کند، سلامت

است که تو برای من می‌پسندی. این فهم مؤمنانه است. اکنون می‌فرماید: آن چیزی را که تو برای من می‌پسندی، پسند من هم قرار ده، چون آن چیزی که خدای متعال می‌پسندد ممکن است نزد انسان به خاطر فهم اندک، افق دید محدود، مکروه و ناراحت‌کننده باشد.

یکی از حالت‌هایی که برای ما کراهت دارد، مرضی است. اگر آنچه خدای متعال برای ما پسندیده است، ما هم پسندیدیم، هم در ما حالت آرامش و رضایت به وجود می‌آید و هم به شرافت‌های متعددی نائل می‌شویم. اگر برعکسش باشد، نزد انسان مکروه باشد، یعنی انسان ناراضی و ناخشنود باشد، محرومیت‌های متعددی برای انسان پیش می‌آورد. حضرت می‌فرماید: آن وضعیت عالی برای من پیش بیاید که هر چیزی را که برای من پسندیدی، محبوب من باشد. بدین معنا که به من سعی ایمانی، ظرفیت معنوی و روحانی، فهم و درکی عالی ده که به این نتیجه برسم که آنچه تو برای من می‌پسندی، صلاح و خیر من در آن است. اگر من از رهگذر توسعه‌ی ایمان، افزایش معرفت و افق‌گشایی در زندگی، به چنین فهمی برسم، آن چیزی را که تو برای من می‌پسندی برایم خنک و گوارا می‌شود؛ اگرچه احاطه

کلیدی که همه‌ی درها را باز می‌کند و ابواب اجابت را می‌گشاید، عبارت است از: صلوات بر محمد و آل محمد.

## ■ دو درخواست معنوی

### ۱. محبوب شدن خواست خداوند نزد انسان

کاربرد «فاء» در اینجا خیلی لطیف است. امام می‌فرمایند: «فَصَلِّ» که به معنای «کُنْ» است. یعنی من همه‌ی اینها را که تاکنون بهره‌مند شده و نتیجه گرفته‌ام، از رهگذر هدایت محمد و آل محمد است. ضمناً یک عرض ادب و ارادت هم می‌کنیم؛ منتها عرض ادب و عرض ارادت است که مجدداً همراه خودش هزاران نعمت را متوجه من می‌کند؛ بنابراین «فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ». اما درخواست‌هایی دارم: «حَبِّبْ إِلَیَّ مَا رَضِیْتَ لِی»، خدایا آن چیزی را که برای من پسندیدی، محبوب من قرار ده. بدین معنا که آنچه خدای متعال برای ما می‌پسندد، می‌تواند سلامت یا بیماری باشد، می‌تواند «ضَرَاءً» یا «سَرَاءً» باشد، می‌تواند «شِدَّةً» یا «رَخَاءً» باشد، می‌تواند ناراحتی یا رنج باشد، می‌تواند خوشی یا شادمانی باشد، می‌تواند ... آن چیزی که تو برای من می‌پسندی، آن به صلاح من است و باعث رشد، کمال، تطهیر و عافیت روحی من می‌شود. سعادت من همان

شده به درد و رنج و مصیبت باشد.

## ۲. آسان شدن خواست خداوند برای انسان

دومین خواسته این است: «وَ يَسِّرْ لِي مَا أَحَلَّلْتَ بِي»، تنوع در کلام و مطابق با بلاغت است. انسان خوب است وقتی در مقام گفتگو با محبوبش است، متنوع صحبت کند و یک کلمه را چندطور بیان کند. هر چیزی می‌تواند بهانه‌ی خوبی باشد برای اینکه انسان اقامتش در آن مقام طولانی شود. ضمن اینکه در این کلمات متنوع، پیام‌های ویژه و تازه‌ای وجود دارد. حضرت فرمودند: «وَ يَسِّرْ لِي مَا أَحَلَّلْتَ بِي»، با جمله‌ی قبل خیلی تناسب دارد. آسان کن برای من آن چیزی را که به سوی من از رنج، مصیبت و بلا می‌فرستی. چطور شدت و دشواری برای انسان آسان می‌شود؟ با فهم مؤمنانه، ظرفیت ایمانی و بصیرتی که بداند آنچه به سوی او می‌آید، به خیر و صلاحش است. در این صورت سختی‌ها بر او آسان می‌شود. قرآن کریم می‌فرماید: «فَعَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا»! پس چه بسا چیزی را خوش نمی‌دارید و خدا در آن مصلحت فراوان قرار می‌دهد. حضرت می‌فرماید چشم مرا باز کن تا ماوراء ظواهر را ببینم. اگر گرفتار ظاهرگرایی شوم، مصداق این آیه خواهم شد: «يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِّنَ الْحَيَاةِ

الدُّنْيَا وَ هُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ؟» از زندگی دنیا، ظاهری را می‌شناسند و حال آنکه از آخرت غافلند». اگر من جزء کسانی شوم که فقط سطح را می‌بینند و گرفتار ظواهر هستند، مصیبت‌ها برای من دشوار خواهد بود؛ اما وقتی چشم مرا باز کنی و ببینم اینها از سوی تو است، تحمل آن برای من گوارا و آسان می‌شود؛ اگرچه مقدمه‌اش را خودم فراهم کرده باشم؛ چنان‌که در قرآن آمده است: «فِيمَا كَسَبَتْ آيْدِيكُمْ»؛ به سبب دستاورد خود شما است. وقتی انسان به نگاه توحیدی دست پیدا کند، سختی‌ها برای او گوارا و آسان می‌شود.

«وَ يَسِّرْ لِي مَا أَحَلَّلْتَ بِي، وَ طَهَّرْنِي مِّنْ دَنَسٍ مَا أَسْلَفْتُ»، مرا به واسطه‌ی بیماری و رنجی که پیش آمده است، پاک کن از کثیفی‌ها و پلیدی‌هایی که از رهگذر اعمال گذشته‌ام به آن مبتلا شده‌ام.

«وَ أَمْحُ عَنِّي شَرًّا مَا قَدَّمْتُ»، انسان کارهایی می‌کند که عوارض آن در زندگی او امتداد دارد. بعضی از کارهایی که ما انجام می‌دهیم، غیر از اینکه در گذشته واقع شده است، یک بدبختی روی دوش ما می‌گذارد و اثرش ادامه دارد. بعضی از معصیت‌ها این‌طور است. حضرت می‌فرماید: اعمال گذشته‌ام را که کارم را خراب کرده و پلیدی‌اش در من است، پاک کن.

می‌دهم و با آن برای گوسفندانم برگ می‌تکانم، و کارهای دیگری هم برای من از آن برمی‌آید». در اینجا نیز امام فرمود: «أَوْجِدُنِي حَلَاوَةَ الْعَافِيَةِ» و اکنون می‌فرماید: «أَذُقْنِي بَرْدَ السَّلَامَةِ». خنکای سلامتی را بعد از آتش درد، رنج و تب، به من برسان و کام مرا به عافیت شیرین کن.

«وَ اجْعَلْ مَخْرَجِي عَنْ عِلَّتِي إِلَى عَفْوِكَ»، دوباره به یک بیان دیگر خواسته خود را تکرار می‌کند و می‌فرماید: من از این بیماری که خارج می‌شوم و ان‌شاءالله مرا خارج می‌کنی، چه خروج من، خروج در همین دنیا باشد، چه خروج به عقبی باشد، به سلامت بروم. چه بمانم و چه بروم، به عفو تو برسم و از برکاتش که تطهیر، پاکسازی گناهان و سبک‌سازی بار معصیت است، بهره‌مند شوم.

دوباره حضرت با تعبیری دیگر می‌فرماید: «وَ مُتَّحَوِّلِي عَنْ صِرْعَتِي إِلَى تَجَاوُزِكَ»، تجاوز به معنای عفو و گذشت است. وقتی من از زمین‌گیری که این بیماری برای من به وجود آورده است، به سلامت بیرون می‌شوم؛ خروج، تحول و برخاستن من، به لطف و عفو تو باشد و آن زمان که بلند می‌شوم، از من گذشت کرده باشی. «وَ خَلَّاصِي مَنْ كَرِهِي إِلَى رَوْحِكَ»، از این رنجی که بر من وارد شده است، به گشایشی که در لطف تو و رحمت تو است، وارد شوم.

همچنین مرا از رفتارها و اعمالی نجات ده که آینده‌ی مرا خراب کرده است. «وَ امْحُ» محو و پاک کن شرّ کارهایی که آینده‌ام را تخریب می‌کند. فقط ناظر به آخرت نیست، در همین دنیا، روزهای آینده‌ی من، تحت تأثیر شرّی که مرتکب شده‌ام، آسیب می‌بیند و تخریب می‌شود. بعضی از معاصی - به عنوان مثال لطمه به حیثیت کسی زدن - از این قبیل است که عوارض سنگینی دارد و آینده را هم تحت تأثیر خودش قرار می‌دهد.

«وَ أَوْجِدُنِي حَلَاوَةَ الْعَافِيَةِ»، بعد از اینکه بیماری بر من نازل شد، شیرینی عافیت همه‌جانبه از بیماری را - چه از لحاظ جسمی و چه از لحاظ روانی و فکری - به من بچشان تا به سلامت برسم. آنچه انسان در باید همه حال از خدای متعال بخواهد، سلامتی است. درخواست دوم این بود: «وَ أَذُقْنِي بَرْدَ السَّلَامَةِ». در اینجا حضرت مطالب را به طور مفصل بیان می‌کند؛ چرا؟ زیرا در مقام صحبت با معبود و معشوق خود هستند. حضرت موسی نیز در پاسخ به این پرسش خداوند «وَ مَا تَلِكْ بِيَمِينِكَ يَا مُوسَى؟» و ای موسی، در دست راست تو چیست؟» یک کلمه نگفت؛ بلکه جوابی مبسوط داد: «قَالَ هِيَ عَصَايَ أَتَوَكَّأُ عَلَيْهَا وَأَهْبِشُ بِهَا عَلَى غَنَمِي وَلِيَ فِيهَا مَآرِبُ أُخْرَى»؛ گفت: این عصای من است، بر آن تکیه



در دعا این‌گونه است. این چیزهایی که از تو خواستیم، به خاطر این است. شناخت من از تو این مقدار است و من این‌گونه تو را می‌شناسم و درباره‌ی تو این‌طور فکر می‌کنم. گمان من درباره‌ی تو این است. امام رضا (علیه السلام) می‌فرمودند که خداوند می‌فرماید: «أَنَا عِنْدَ ظَنِّ عَبْدِي الْمُؤْمِنِ؛ من نزد گمان بنده مؤمن خویش هستم». بنده‌ی من هرطور که درباره‌ی من گمان داشته باشد، من آن‌گونه با او رفتار می‌کنم.

در اینجا امام می‌فرماید: گمان، فهم و شناخت من درباره‌ی تو این‌طور است: «إِنَّكَ الْمُتَفَضَّلُ بِالْإِحْسَانِ». البته این نسخه «مُفَضَّل» دارد؛ ولی «مُتَفَضَّل» با جمله‌ی بعدی‌اش هماهنگ‌تر است؛ چون جمله‌ی بعدی‌اش «مُتَطَوَّل» است. اگر «مُفَضَّل» باشد، شاید آنجا هم «مُطَوَّل» باشد؛ ولی از باب اینکه «زِيَادَةُ الْمَبْنِيِّ تَدُلُّ عَلَى زِيَادَةِ الْمَبْنِيِّ»، اینجا تأکیدش بیشتر و با سیاق کلام نیز هماهنگ‌تر است. پس «مُتَفَضَّل» را بر «مُفَضَّل» ترجیح می‌دهم و بیشتر می‌پسندم.

«إِنَّكَ الْمُتَفَضَّلُ بِالْإِحْسَانِ»، تو آن خدایی هستی که احسانت یک‌طرفه است. به من و بنده‌هایت نگاه نمی‌کنی که ادب بندگی را رعایت نمی‌کنیم و معصیت می‌کنیم. احسان از سوی

«وَسَلَامَتِي مِنْ هَذِهِ الشَّدَةِ إِلَى فَرَجِكَ»؛ تعبیر دیگری از خواسته‌های قبلی است. کرب، شدت، سرعت و علت، تعبیری است که برای بیماری بیان شده است. در دو جمله‌ی قبلی «حلاوت» و «برد» به کار رفته بود که در مقابل «کرب» و «شده» قرار دارد. حضرت نقطه‌های مقابل تعبیر متنوع را این‌طور زیبا و بجا استفاده می‌کنند تا شما را به آن نقطه‌ی مقابل منتقل کنند که عبارت است از شیرینی و خنکای خروج و آزاد شدن از این زمین خوردن. حضرت اینها را پشت سر هم و با تعبیر زیبا از خدای متعال می‌خواهند.

### ■ گمان نیک مؤمن به خداوند

امام سجّاد (علیه السلام) به ما آموزش می‌دهند در هنگام بیماری، با خدای متعال این‌طور صحبت کنید و این‌گونه آرزوها، خواسته‌ها و درخواست‌های خود را بیان کنید. همه را هم حضرت ذیل: «فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٌ وَآلِهِ» قرار داد که یک دعای مستجاب است که در آن ادب، استضعاع (طلب نور کردن)، استشفاء، استناره (روشنی جستن) و مدد خواستن ویژه است. این چینش، فوق‌العاده دقیق، جذاب و توحیدی است. با نام و حمد خدای متعال دعای خود را آغاز می‌کند و با نام او سخنانش را به پایان می‌برد. ادب

یک ذکر فوق‌العاده قوی و پیش‌برنده در منازل توحید توسط اولیاء و بزرگان سفارش می‌شود، به اسم اعظم خیلی نزدیک است و توصیه شده که مؤمن این ذکر را فراوان بگوید و به خدای متعال این‌طور خطاب کند: «يَا ذَالْجَلَالِ وَ الْاِكْرَامِ». چون کلمه‌ی اول تسبیح جامع است و کلمه‌ی دوم حمد برجسته‌ای است. دو بال تسبیح و تحمید در این عبارت وجود دارد که در قالب فرازمندی ارائه شده است: «يَا ذَالْجَلَالِ وَ الْاِكْرَامِ»، هیچ کمی و کاستی در سلطنت تو وجود ندارد. جلال، قدرت و عظمت مطلق است و در آن هیچ رخنه‌ای وجود ندارد. این معنای جلال می‌شود. در تقسیم اسماء الهی، می‌گویند: اسماء جلالیه در برابر اسماء جمالیه است. «وَ الْاِكْرَامِ» جزء اسماء جمالیه است که ذکر حمد است. همه‌ی بزرگی، زیبایی و جمال از آن توست و از سوی تو به سوی بندگانت سرشار می‌شود، آنها را به بهره‌مند و را بزرگ می‌کند. البته همه‌ی اسماء خداوند، در مقام مخاطبه‌ی با پروردگار و گفتگوی با حضرت حق راه‌گشایی خاص خودش را دارد و دل انسان مؤمن را پرواز می‌دهد؛ منتها «ذُو الْجَلَالِ وَ الْاِكْرَامِ» یک ذکر بسیار قوی، مجرب، پیش‌برنده است که به اسم اعظم خیلی نزدیک است. دعای پانزدهم تمام شد. با این شناختی

تو بدون استحقاق است. بدون اینکه به بنده نگاه کنی، به او می‌بخشی. من تو را این‌طور می‌شناسم؛ و گرنه چگونه جرئت می‌کردم چنین احسانی را از تو توقع کنم؟ هرچه بگویی حق من است؛ تو خدایی هستی که برای احسان از سوی تو این شرط وجود ندارد که طرف استحقاق داشته باشد. «الْمُتَطَوَّلُ بِالْاِمْتِنَانِ»، مانند جمله‌ی قبلی است و همان تغییر است. «امتنان» در جایی گفته می‌شود که نعمتی که داده می‌شود، خیلی بزرگ باشد. تو صاحب این نعمت بزرگ هستی، می‌دهی و می‌بخشی. تو چنین کسی هستی، من تو را این‌گونه یافتم؛ لذا این‌گونه با تو سخن می‌گویم.

«الْوَهَّابُ الْكَرِيمُ»، حضرت چه اسماء زیبایی بیان می‌کنند. وهَّاب، به معنی هبه پشت سر هبه است. از سوی تو پشت سر هم می‌رسد؛ منتها «الْوَهَّابُ الْكَرِيمُ»، هرچه که از سوی تو می‌رسد، باعث رشد من است. این همه به من می‌دهی؛ اما هیچ‌وقت به رخ من نمی‌کشی و مرا تحقیر نمی‌کنی.

### ■ اسم اعظم الهی

«ذُو الْجَلَالِ وَ الْاِكْرَامِ»، تو خیلی بزرگ و صاحب جلال هستی. عبارت «ذُو الْجَلَالِ وَ الْاِكْرَامِ» که در کلمات اولیاء فراوان استفاده می‌شود و به صورت

دوم، عبارت است از: «كَتَمَانَ الصَّدَقَةَ» صدقه یک معنای عام و یک معنای خاص دارد. معنای عامش هر کار خوبی است که انسان انجام می‌دهد؛ چنان‌که فرموده‌اند: «كُلُّ مَعْرُوفٍ صَدَقَةٌ»<sup>۱</sup> هر کار نیک و پسندیده‌ای صدقه است. هر کار خوبی نزد خدا صدقه است؛ البته اگر از سر اخلاص انجام شده باشد. معنای خاص صدقه نیز کمک مالی انسان به نیازمندان است. انسان باید صدقاتش را - چه معنای خاص آن را در نظر بگیریم و چه معنای عام آن را - مکتوم و مخفی کند.

مورد دیگر «وَجَع» است. «وَجَع» به معنی مرض و درد است، انسان باید دردش را کتمان کند.

چهارمین مورد مصیبت است. انسان وقت مصیبتی برایش پیش می‌آید، کتمانش کند.

بنابراین «كَتَمَانَ الْوَجَعِ»، اینکه انسان درد و مرض را پیش خودش نگه دارد، ادب است.

یکی از انبیاء (عَلَيْهِ السَّلَام) مریض شده بود. پیش کسی بیماری و دردهایش را شرح داد. از عالم بالا به او گفتند: از ما شکایت می‌کنی؟ چرا پیش دیگران از بیماری شکایت می‌کنی؟ در روایتی وارد شده که انسان وقتی مریض می‌شود، محبوس در فیض الهی است، مادام که از بیماری خود نزد عیادت‌کننده‌ها

که از رهگذر این دعا برای ما فراهم شد، از این به بعد مریضی برای ما شیرین و گوارا است و قابل تحمل و محبوب می‌شود. چنانچه انسان این نکته را بفهمد و درک کند، بیماری را به یک فرصت تبدیل می‌کند و از آن بهره می‌برد. از رهگذر بیماری، انسان در موقعیت اضطرار قرار می‌گیرد و انقطاعی برایش حاصل می‌شود. هنگامی که انسان درد می‌کشد، در وضعیتی است که دعایش مستجاب است.

## ■ چند نکته درباره‌ی بیماری

### ۱. ادب بیماری

چند نکته در مورد بیماری بیان می‌کنم. نکته نخست ادب بیماری است. انسان مؤمن وقتی بیمار می‌شود، تاحد ممکن دردش را کتمان می‌کند. «كَتَمَانَ الْفَاقَةِ» جزء گنج‌های بهشتی است. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: «أَرْبَعٌ مِنْ كُنُوزِ الْجَنَّةِ: كِتْمَانُ الْفَاقَةِ، كِتْمَانُ الصَّدَقَةِ، كِتْمَانُ الْمُصِيبَةِ، كِتْمَانُ الْوَجَعِ»<sup>۲</sup> چهار چیز است که از گنج‌های بهشت است: [انسان] فقر خود را نشان ندهد، صدقه را پنهانی دهد، مصیبت را آشکار نسازد، درد خود را پنهان کند. برخی تا دچار دشواری و مصیبتی می‌شوند، زبان به گلابه و شکایت می‌گشایند؛ درحالی‌که خدای متعال کتمان آن را می‌پسندد.

شکایت نکند. بیشتر نفع می‌برد؛ زیرا از دعای او بهره‌مند می‌شود.

## ۲. آه از اسماء الهی است

نکنه‌ی دوم اینکه انسان وقتی مریض می‌شود، حالاتی دارد. یکی اینکه آه می‌کشد. شخص وقتی آه می‌کشد، چه کسی را صدا می‌زند؟ در روایت زیبایی دیدم، آه از اسماء الحسنی است. «الله، اوّل و آخرش آه می‌شود؛ پس بیمار وقتی آه می‌کشد، او را صدا می‌زند. کسی نمی‌تواند به فریاد تو رسد. تو چه بدانی و چه ندانی، او را صدا می‌کنی؛ منتها خوش به حال کسی که بداند او را صدا می‌زند. در بیان زیبایی از پیامبر اعظم خطاب به امیرالمؤمنین آمده است که حضرت فرمودند: «يَا عَلِيُّ أَيْنَ الْمَرِيضِ تَسْبِيحُ وَ صَيَّاحُهُ تَهْلِيلٌ وَ تَوَمُّهُ عَلَيَّ الْفِرَاشُ عِبَادَةٌ؟ يَا عَلِيُّ! آه مریض تسبیح، و ناله و فریاد او تهلیل، و خوابش بر روی بستر عبادت است». البته با همان فرض‌هایی که بحث کردیم است. گاهی انسان درد دارد، به خودش می‌پیچد، از این پهلو به آن پهلو می‌شود. این هم برای او جهاد نوشته می‌شود.

بنابراین بیماری حالت اضطرار است که انسان در پرتو آن، دعایش مستجاب است. هنگامی که به عیادت بیمار می‌روید، پیش یک مستجاب‌الدعوه رفته‌اید. عیادت شما برای او خوب است؛ اما کسی که به عیادت می‌رود،

## ۳. تحمّل درد تا حد ممکن

انسان برای سلامتی خود باید اقدام کند و باید هنگام بیماری به طبیب مراجعه کند و طبق تجویزهای پزشک دارو مصرف کند. منتها در بیانی از امیرالمؤمنین (علیه السلام)، حضرت فرمودند: «إِمْشِ بِدَائِكَ مَا مَشَى بِكَ؛ با درد خود بساز چندانکه با تو بسازد». تا مریضی قابل تحمل است، سراغ دکتر نروید. بعضی تا دردشان می‌گیرد، می‌خواهند به سرعت مسکن بخورند و درد را برطرف کنند؛ حال آنکه آن درد خوب است. پزشکی می‌گفت: وقتی بیماران من می‌گویند: درد دارم، می‌گویم: چیز خوبی است. می‌گویند: ما آمده‌ایم پیش تو که به ما مسکن یا دارو بدهی، حال می‌گویی درد خوب است. من هم در جواب به آنها می‌گویم: من مسکن می‌دهم؛ اما حیف نیست؟ تا می‌توانی درد را تحمل کن. درد خوب است؛ زیرا انسان را منقطع می‌کند. ناله و فریاد انسان نیز تسبیح و تهلیل است.

البته اگر بیماری کهنه شود یا مریضی خاصی باشد، باید با مشاهده‌ی اولین علائم آن، انسان به پزشک مراجعه کند. کتمان نزد پزشک لازم نیست؛ کتمان پیش دیگران مطلوب است.

بنده‌ی من! چه چیز تو را از این بازداشت که چون بیمار شدم، عیادت‌م کنی؟ بنده می‌گوید: سبحان الله! تو پروردگارِ بندگانی که نه دردی بر تو عارض می‌شود و نه بیمار می‌شوی. خداوند می‌گوید: برادرِ مؤمن‌ت، بیمار شد و او را عیادت نکردی. به عزت و جلالم سوگند، اگر او را عیادت کرده بودی، مرا نزد او می‌یافتی و پس از آن، خود، عهده‌دار حاجت‌هایت می‌شدم و آنها را برایت بر می‌آوردم و این همه از کرامت بنده مؤمن من است و من، خدای بخشاینده مهربانم».

### ■ فواید عیادت

عیادت در مناسبات ایمانی جزء حقوق مؤمنین است و در آن هزاران برکت از ظاهر تا باطن است که قابل توصیف نیست؛ رنج بیمار را کاهش می‌دهد، دلش را گرم می‌کند، به او امید می‌دهد، جلوی افسردگی‌اش را می‌گیرد؛ مخصوصاً بیمارانی که مدت بیماری آنها طولانی می‌شود و در بیمارستان بستری می‌شوند. انسان وقتی مریض می‌شود، غریب می‌شود، احساس تنهایی می‌کند، چشمش به در است تا کسی به عیادتش بیاید. خوشا به سعادت آنهایی که به عیادت بیماری می‌روند که عیادت‌کننده ندارد. فیض بسیار بزرگی است.

در مراجعه‌ی به طبیب هم دقت شود. انسان این صنوع الهی را دست هر کسی ندهد. متأسفانه داروها هم خراب شده و عمدتاً صنعتی است که نوعاً در کوتاه مدت مریضی را برطرف می‌کند، اما بعدها زمینه‌ساز بیماری‌های دیگری می‌شود.

### ۴. عیادت از خداوند

نکته‌ی پایانی، مسئله‌ی عیادت است. عیادت جزء حقوق مؤمن است. اگر مؤمنی بیمار شد، حق پیدا می‌کند بر سایر مؤمنینی که او را می‌شناسند. نزدیکان، همسایه و کسانی که با او ارتباط دارند و از بیماری او باخبر می‌شوند، باید به عیادتش بروند. مثل تشییع جنازه که حق است، عیادت هم حق است و البته حق بسیار بزرگی است. در روایتی رسول الله (صلي الله عليه و آله و سلم) فرمودند: «يُعِيرُ اللهُ عِرَّ وَجَلَّ عَبْدًا مِنْ عِبَادِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَيَقُولُ: عَبْدِي مَا مَنَعَكَ إِذْ مَرَضْتَ أَنْ تَعُوذَنِي؟ فَيَقُولُ: سُبْحَانَكَ! أَنْتَ رَبُّ الْعِبَادِ لَا تَأْلَمُ وَلَا تَمْرَضُ. فَيَقُولُ: مَرَضَ أَخُوكَ الْمُؤْمِنُ فَلَمْ تَعُدَّهُ، وَعَزَّتْ بِي وَجَلَّالِي لَوْ عُدْتَهُ لَوْجَدْتَنِي عِنْدَهُ، ثُمَّ لَتَكَلَّفْتُ بِحَوَائِجِكَ فَقَضَيْتُهَا لَكَ، وَذَلِكَ مِنْ كَرَامَةِ عَبْدِي الْمُؤْمِنِ، وَأَنَا الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ»<sup>۱۱</sup> خداوند عزوجل در روز قیامت، بنده‌ای از بندگان خویش را نکوهش می‌کند و می‌گوید:

## ■ آداب عیادت

دست کم بگیرد و بداند که: «بَلْ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ؛<sup>۱۵</sup> بلکه هر دو دست او گشاده است»، دست خدا باز است، متناسب با شرایط، به کسی کمتر و به دیگری بیشتر عنایت می‌فرماید.

کسی این ثواب‌ها را انکار نکند. به همین اندازه از او گناه شسته می‌شود، برای او درجه نوشته می‌شود و فرشته‌ای در قبر به عیادت او می‌آید و تا رستاخیز او را در قبرش عیادت کند.<sup>۱۶</sup>

## ■ عیادت کر از بیمار

جلسه‌ی امروز را با یک شعر تمام می‌کنم؛ چون ایام ربیع‌الاول و بحث عیادت است.

آن‌کری را گفت افزون‌مایه‌ای  
که تو را رنجور شد همسایه‌ای  
گفت با خود کر که با گوش‌گران  
من چه دریابم ز گفت آن جوان  
چون بینم کان لبش جنبان شود  
من قیاسی گیرم آن را هم ز خط  
چون بگویم چونی‌ای محنت‌کش  
او بخواهد گفت نیکم یا خشم

آن شخص کر این قیاس‌ها را پیش خود آماده کرد و به عیادت رفت. همه‌ی جواب‌ها را پیش خودش طبق همان قاعده آماده کرده بود. گفت: حالت چطور است؟ بیمار گفت: مُردم.

عیادت که می‌روید، اولاً دست پر بروید. در روایت است که با خودتان چیزی ببرید که برای او مناسب باشد. ثانیاً عیادت را خیلی طول ندهید<sup>۱۱</sup>، مگر اینکه انسان بخواهد پرستاری کند. هنگام عیادت حرف‌های شیرین بزن و بیمار را مجبور به توضیح در مورد بیماری خود نکن. حرف زدن ممکن است برایش خوب نباشد. عیادت‌کننده از لحظه‌ای که از خانه حرکت می‌کند تا به بیمارستان، یا به منزل شخص بیمار می‌رود، هزاران هزار فرشته با او همراه می‌شوند. هر قدمی که برمی‌دارد، برکات فراوانی متوجه او می‌شود. این حالت تا زمانی که به خانه خود برگردد، متوجه او است.<sup>۱۳</sup>

پیامبر اعظم فرمودند: «وَمَنْ عَادَ مَرِيضًا فَلَهُ بِكُلِّ خَطْوَةٍ خَطَايَا حَتَّى يَرْجِعَ إِلَى مَنْزِلِهِ سَبْعُونَ أَلْفَ أَلْفٍ حَسَنَةٍ»<sup>۱۴</sup> و هر کس بیماری را عیادت کند به هر قدمی که برمی‌دارد تا به منزلش مراجعت کند، هفتاد هزار هزار حسنه برای او است». غیر قابل محاسبه است. به ذهنتان سنگین نیاید. در روایات برای اعمال مختلف ثواب‌های بزرگی بیان شده، منتها به شرطی که عملی که انجام می‌دهیم، مقبول درگاه احدیت باشد. انسان باید از خدای متعال توفیقش را بخواهد. ضمن اینکه کرم خداوند را

■ منابع و مآخذ:

۱. نساء: ۱۹.
۲. روم: ۷.
۳. شورا: ۳۰.
۴. طه: ۱۷.
۵. همان: ۱۸.
۶. کلینی، کافی، ج ۲، ص ۷۲.
۷. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۸، ص ۱۶۴.
۸. محمدعلی ری شهری، میزان الحکمه، ج ۵، ص ۳۲۴.
۹. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۱۸۹.
۱۰. نهج البلاغه، حکمت ۲۷.
۱۱. شیخ طوسی، امالی، ص ۶۲۹.
۱۲. پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: «عیادت به اندازه زمان یک بار فشردن پستان شتر، مناسب است». بیهقی، شعب الایمان، ج ۶، ص ۵۴۳. همچنین آن حضرت در روایت دیگری فرمودند: «بهترین عیادت، سبک‌ترین آن است». محمد بن سلامه قضاعی، مسند الشهاب، ج ۲، ص ۲۱۸.
۱۳. امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «هر مؤمنی که مؤمن بیمار دیگری را در زمان بیماری‌اش به هنگام صبح عیادت کند، هفتاد هزار فرشته او را همراهی کنند و چون (در نزد او) بنشینند، رحمت، او را در میان می‌گیرد و فرشتگان برای او از خداوند (عزوجل) آمرزش طلبند تا زمانی که شامگاه فرا رسد. اگر او را شامگاهان عیادت کند، او را پاداشی همانند آن باشد تا زمانی که شب را به صبح برساند». کلینی، کافی، ج ۳، ص ۱۲۰.
۱۴. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۲۱۸.
۱۵. مانده: ۶۴.
۱۶. کلینی، کافی، ج ۳، ص ۱۲۱.

کر گفت: شکر، الْحَمْدُ لِلَّهِ. شخص مریض خیلی ناراحت شد و با خود گفت: «کین چه شکر است، او مگر با ما بد است؟».

بعد از آن گفت: چه خوردی؟ گفت: زهر گفت: نوشت باد افزون، گشت قهر بعد از آن گفت از طبیبان کیست او که همی آید به چاره پیش تو گفت: عزرائیل می آید به رو گفت پایش بس مبارک، شاد شو؛ کر برون آمد بگفت او شادمان شکرش کرده مراعات این زمان





افوغها؛ درنگی بر مسئله تعلیم و تربیت

OfoghHa.ir | سامانه پیامکی: ۳۰۰۰۴۸۵۹۵۹

۲ شنبه‌ها، از نماز مغرب و عشاء



تهران، خیابان سرچشمه  
مجمع فرهنگی **شهدای** هفتم تیر